

بنیادهای رمانتیک

◆ شعر فریدون مشیری ◆

مسعود دلاویز

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و مدرس مرکز تربیت معلم امام جعفر صادق بهبهان

شهودی به طبیعت و اتکا به تخیل، بر میزان ادبیت کلام شعری خویش بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: رمانتیسم، فریدون مشیری، انسان باوری

مقدمه

تعریف رمانتیسم همواره با دشواری‌های روبه‌رو بوده است و به‌همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران به‌جای تعریف رمانتیسم سعی کرده‌اند با بررسی تاریخ و چگونه شکل‌گیری این مکتب و بررسی مفاهیم، درونمایه‌ها، جنبه‌ها و زمینه‌های آن به شناخت و درک روشن‌تری از آن دست یابند؛ اما باید گفت که در تاریخ ادب غرب شاید هیچ کدام از مکاتب به‌اندازه رمانتیسم همه‌گیر و گسترده نبوده‌اند. وقتی بحث از رمانتیسم می‌شود، تصور همگانی بیشتر معطوف به احساسات رقیق و غالباً عاشقانه دوران جدایی است اما برخلاف این تصور معمول، رمانتیسم نه به گل و پروانه و منظره شاعرانه مربوط است نه به خیال‌پردازی‌ها و سپر در آسمان‌ها، بلکه مکتبی است با جهان‌بینی‌ای مبتنی بر پایه‌های فلسفی معین و مدعی تفسیر و تعبیر «واقعی‌تر» حیات و پدیده‌های آن، که در طول تاریخ خویش نه تنها ادبیات، بلکه تمام افکار، عقاید، ایده‌های اجتماعی و سیاسی و جنبش‌های مذهبی را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع، منظور از رمانتیسم جنبشی است که در اواخر قرن هجدهم

چکیده

رمانتیسم یکی از مکتب‌های اصلی در ادبیات جهان است که در تقابل با خردگرایی نئوکلاسیسیسم در قرن هجدهم با شعار بیان (آزاد) احساسات فردی، بازگشت به طبیعت، بدوی‌گرایی و نگرش تخیلی پا به عرصه وجود گذاشت. این مکتب در دوره مشروطه و بر اثر تجربه آثار اروپایی در ادبیات ایران ظهور کرد و پس از آن به یکی از جریان‌های عمده شعر نو تبدیل شد. یکی از شاعرانی که به‌طور گسترده از اصول و مبانی این مکتب پیروی کرد، **فریدون مشیری** بود که توانست معیارهای این مکتب را با هنر، ذوق و تفکر شعری خویش پیوند دهد و اشعاری با مایه‌های رمانتیک بسراید.

اساس در این پژوهش بررسی اصول و نفوذ رمانتیسم و ویژگی‌های آن در شعر مشیری است و اینکه او چگونه توانسته با تکیه بر اصولی چون توجه به احساسات شخصی و بیان آزاد آن‌ها، نگاه کشف و

و اوایل قرن نوزدهم در ادبیات، سیاست، هنر و فلسفه به وجود آمد. از این جهت، حوزه کاربردی وسیعی دارد و مفاهیم پیچیده‌ای را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب رمانتیسم بیش از آنکه یک جریان ادبی باشد، مرحله‌ای از حساسیت اروپایی و به نوعی خیزشی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی است که در انگلستان و سپس آلمان و فرانسه ظاهر شد.

پیدایش این مکتب بیانگر مرحله گذار جامعه اروپایی از سنت به مدرنیسم و قرار گرفتن در آستانه تمدن صنعتی است. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب صنعتی، گسترش شهرنشینی، اوج گرفتن طبقه متوسط و بورژوازی شهری، توسعه راه‌های مواصلاتی و رونق بازرگانی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این نهضت اجتماعی - ادبی - سیاسی است. جامعه‌شناسان جوهر رمانتیسم را مبارزه با سرمایه‌داری زیر پرچم ارزش‌های ماقبل سرمایه‌داری و حاصل اعتراض روشنفکرانی می‌دانند که حاکمیت ارزش‌های مادی و تفکر سودجویانه را نفی می‌کنند.

مکتب ادبی مورد بحث ما در ربع آخر قرن هجدهم به وجود آمد و تا دهه سوم قرن نوزدهم در ادبیات ادامه یافت. نخستین وجه مشخص این مکتب تضاد آن با کلاسیسیسم جدید و اصول و مبانی آن بود.

«اصطلاح رمانتیسم برگرفته از کلمه رمانس (Romance) و صفت رمانتیک (Romantic)، از کلمه لاتینی «رمانتیکوس» (Romanticus) گرفته شده است. این کلمه در قرون وسطی به زبان‌های محلی مشتق از زبان لاتین (که در کشورهای مختلف اروپایی متداول بود) اطلاق می‌شد و در ابتدا به داستانی گفته می‌شد که نه به زبان لاتین بلکه به زبان عامیانه کشورهای مختلف اروپا یا زبان‌های رومی و به گونه‌ای جدید نوشته شده باشد، و نیز از مقررات کلاسیک تبعیت نکند.» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۱۶۳)

آثار اولیه رمانتیکی عمدتاً ماهیتی

خیال‌انگیز و پراحساس داشتند و مبتنی بر ماجراهای پهلوانی یا عاشقانه و ماجراجویانه بودند. از دهه ۱۶۶۰ در انگلستان کلمه رمانتیک از این معانی فراتر می‌رود و برمنظرات طبیعی اطلاق می‌گردد. چنان‌که این اصطلاح در وصف روستاها، کوهستان‌ها، چشمه‌ها و پدیده‌های از این دست نیز به کار می‌رود و معنایی بکر و رویایی را می‌رساند.» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱)

«رمانتیسم، بی‌تردید، شعر عشق و احساسات است.» (اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۲۲۲) توهم مشاهده لایتناهی در درون طبیعت، احیا و برانگیختن دوباره زندگی و اندیشه قرون وسطی، تلاش و کوشش

جامعه‌شناسان جوهر رمانتیسم را مبارزه با سرمایه‌داری زیر پرچم ارزش‌های ماقبل سرمایه‌داری و حاصل اعتراض روشنفکرانی می‌دانند که حاکمیت ارزش‌های مادی و تفکر سودجویانه را نفی می‌کنند

برای فرار از واقعیت روزمره و نهایتاً تفوق و غلبه مؤکد و پرشور حیات عاطفی که بر اثر فعالیت شهودی و بینش خلاق برانگیخته شده است و خود موجب برانگیخته شدن یا هدایت چنین فعالیت‌هایی گردد از ویژگی‌های شاعران رمانتیک است.» (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۶)

اصول مکتب رمانتیسم

۱. طبیعت: توسعه علاقه به طبیعت و حیات ابتدایی، یکی و شاید نخستین ویژگی از ویژگی‌های رمانتیسم است. در این بازگشت به طبیعت مقصود بازیافت اصالت انسانی مطرح است.» (ثروت، ۱۳۸۳: ۷۲) و در واقع، «در اشعار رمانتیک طبیعت به انسان حیات می‌دهد، الهام شاعرانه می‌بخشد، نگران آینده و شریک غم اوست و از ظلم‌هایی

که بر او می‌رود خشمگین است، طغیان می‌کند و ناله سر می‌دهد و در یک کلام راهنما و معلم اوست.» (پورعلی فرد، ۱۳۸۲: ۸۶) در نگاه رمانتیست‌ها طبیعت و روح فرد از یک منشأ هستند و اوج تکامل طبیعت در روح دیده می‌شود. از این جهت، طبیعت نزد آنان وجهه‌ای معرفت‌شناسانه به خود می‌گیرد که در پرتو آن می‌توان به شناخت خدا دست پیدا کرد.

۲. آزادی: هنرمند رمانتیک می‌گوید که آنچه به هنرمند الهام می‌بخشد و معنی و مفهوم زندگی شمرده می‌شود، عشق و علاقه است و این علاقه باید آزاد باشد.» (همان: ۸۷) و در واقع آنچه به وی الهام می‌شود گوشه‌ای از زندگی است، چه زیبا و چه زشت، چه عالی و چه دانی. بنابراین، بی‌هیچ قید و بندی باید اظهار شود.» (سیدحسینی: ۱۸۰)

۳. هیجان و احساسات: هنرمند رمانتیک پیش از آنکه بر مبانی معقول و خردگرایانه تکیه کند، به خواست‌های حسی و درونی و خردگریزی گرایش دارد و باید گفت که احساسات عمیق در شعر رمانتیک جایگاه مهمی دارد؛ آن‌گونه که «می‌توان شعر آنان را شعر عشق و احساس نامید.» (اشرف‌زاده: ۲۲۲)

۴. خردگریزی: بها دادن به احساسات در برابر خرد، ماهیت و طرز کار شاعر و نویسنده رمانتیک را دگرگون و آثار آنان را با نرمش، آزادی و انعطاف‌پذیری همراه کرد که همه، نتایج شورش علیه خردگرایی کلاسیسیسم جدید بود.

۵. گریز و سیاحت: آرزوی از محیط در زمان موجود، طایر فکر و تخیل نویسنده و شاعر رمانتیک را به سوی سرزمین‌ها و کشورهای دوردست پرواز می‌دهد و از این رو پیوسته نوعی میل گریز به دوردست در آثار رمانتیک‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، دعوت به سفر تاریخی یا جغرافیایی، سفر واقعی یا بر روی خیال، یکی دیگر از مشخصات آثار رمانتیک‌هاست. (سیدحسینی: ۱۸۱)

دنباله مطلب در وبگاه نشریه